

همدم و همبازی فرزند خود باشید

خانواده، نخستین نهاد اجتماعی است که فرد در آن پا به عرصه زندگی می گذارد و اولین پایه های تربیت و تعلیم در آن گذارده می شود آموزش و پرورش هر کشور، مهم ترین و موثرترین نظام پرورش و رشد شخصیت نوجوانان و جوانان است.

خانواده، اولین مهم ترین و سازنده ترین نهاد جامعه است. جامعه ای که نهاد خانواده در آن سالم باشد و بتواند کارکردهای خود را درست انجام دهد، می تواند در راه و مسیری سازنده حرکت کند. از آن جا که هیچ نهادی نمی تواند کارکردهای خانواده را داشته باشد باید به فکر تقویت خانواده و تثبیت آن در جامعه بود. مهمترین کارکرد خانواده، آموزش و پرورش فرزندان است.

جامعه سالم نیازمند افرادی سالم و با هویت اجتماعی و فردی مناسب است و این دو در نهاد خانواده پی ریزی می شود. از این رو، والدین باید به نقش مهم خود در شکل گیری هویت فرزندان توجه کنند. آن ها زمانی می توانند در تربیت و شکل گیری شخصیت فرزندان شان نقشی مفید و سازنده داشته باشند که:

★ نسبت به وظایف خود و نیازهای فرزندان شان آگاهی داشته باشند.

★ در خانه و در کنار فرزند، حضور داشته باشند و برای او اوقات کافی بگذارند.

★ همدم و همبازی فرزند خود باشند.

در این شرایط است که کودکان همدلی، احترام به حقوق دیگران، همکاری و ... را یاد گرفته، در سطح جامعه به خوبی ایفای نقش می کنند.

دانش آموزان در خانه و بین اعضای خانواده زندگی می کنند و در بطن خانواده روابطی با پدر، مادر، خواهر، برادر و ... ایجاد می کنند خانواده نیز تعلق به اجتماع دارد و متاثر از آن. ولی به عنوان یک نهاد

اجتماعی ویژگی هایی برای خود دارد و در صورت ناهمگنی میان ویژگی های خانواده با ویژگی های کلی اجتماع، کارکرد مدرسه با مشکلاتی مواجه میشود.

نقش خانواده در رشد فرزندان بسیار موثر و منبع اصلی انتقال مهارت های اساسی، رفتارها، عادت ها و میراث فرهنگی به فرزندان است، در حقیقت آینده و سرنوشت کودکان بستگی به شرایط و طرز عمل خانواده ها دارد.

انواع سنخ های شناختی، فرایندهای رشد تفکر، خودتصوری، روابط گروهی، روابط معلم و شاگرد، فرصت های آفرینندگی و کسب تجارب، به طور عمیق، تحت تاثیر طبقه اجتماعی خاصی قرار دارند که کودک در آن متولد شده و رشد یافته است.

بنابراین، خانواده نقش اساسی در تعلیم و تربیت فرزندان و پیشرفت تحصیلی آنان دارد.

در همه جوامع، خانواده مسئول حفظ نسل و اجتماعی کردن فرزندان است و ایجاد محیط مانوس و صمیمی و با مهر و محبت به عهده خانواده است. اگر از ابزار عقلانیت، معنویت، محبت، مشارکت و همدلی و مدیریت در خانواده استفاده شود، می توان یک خانواده ایده آل و متعادل را ساماندهی کرد. خانواده در شکل گیری ارزش ها و باورداشت های فرزند نقش اصلی را دارد و بر هر نوع روابطی که فرد با عوامل و نهادهای اجتماعی دیگر از جمله آموزش و پرورش دارد، تاثیر می گذارد. عدم توجه والدین به سالم سازی محیط روانی و عاطفی فرزندان و احیانا فقدان روابط مناسب میان اعضای خانواده، فرزندان را با کمبودهای شدید عاطفی، روانی و ارتباطی روبه رو می سازد و احتمال این که در آینده دچار مشکلات روحی و روانی و در نهایت شکست تحصیلی و ... شوند زیاد است.

آموزش و پرورش در دوران جدید توجه عمده به خانواده ها داشته و بنابراین تاثیرات شگرف هم بر ارتقای جایگاه خانواده بر جا گذاشته است. اگر در گذشته تأکید آموزش و پرورش بیشتر بر شناخت استعدادها و ظهور آن ها بود، امروزه کوشش مضاعف در جهت شناخت همه جانبه کودکان و نوجوانان و ارتباط آن ها با خانواده ها دارد.

بین فرزندان در اجتماع و خانواده های مختلف تفاوت های زیادی وجود دارد. از نظر رشد فکری، عاطفی و جسمانی، در چگونگی کار و بازی، دلبستگی ها و شیفتگی های کودکان نیز تنوع فراوان وجود دارد. به همین سبب، تلاش های مداوم برای برخورد موثر تر با طیف تفاوت های فردی در کلاس های درس و همچنین ایجاد تنوع بیشتر در روش و محتوا در آموزش صورت گرفته است.

نقش و اهمیت خانواده در تعلیم و تربیت فرزندان (دانش آموزان) در جای جای سند تحول بنیادین به وضوح آمده است از جمله: در بیانیه ارزش های سند تحول بنیادین، «ارتقای جایگاه و نقش تربیتی خانواده و مشارکت اثربخش آن با نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی». در اهداف کلان هدف دوم، «ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور، بسط و اعتلای فرهنگ عمومی و زمینه سازی برای اقتدار و مرجعیت علمی و تکوین تمدن اسلامی ایرانی در مسیر تحقق جامعه جهانی عدل مهدوی با تأکید بر تعمیق معرفت و بصیرت دینی و سیاسی، التزام به ارزش های اخلاقی، وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران، اعتقاد و التزام عملی به اصل ولایت مطلقه فقیه و مردم سالاری دینی، تحکیم وحدت ملی، تقویت روحیه علمی، رعایت حقوق و مسئولیت های اجتماعی، ارتقای آداب و آیین زندگی متعالی، بهداشتی و زیست محیطی».

آموزش و پرورش در دوران جدید توجه عمده به خانواده ها داشته و بنابراین تاثیرات شگرف هم بر ارتقای جایگاه خانواده بر جا گذاشته است.

هدف پنجم در زمینه نقش مشارکت اولیا در تعلیم و تربیت «افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی، به ویژه خانواده در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی»، به منظور تقویت و توانمندسازی خانواده در امر تربیت فرزندان در هدف های عملیاتی و راهبردها «تقویت بنیان خانواده و کمک به افزایش سطح توانایی ها و مهارت های خانواده در ایفای نقش تربیتی متناسب با اقتضائات جامعه اسلامی» آمده و در برنامه ها و سیاست های آموزش و پرورش همواره خانواده حضور دارد. در نتیجه نهاد آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت نقش اساسی در تحکیم و توسعه خانواده داراست و این مهم را از طریق انتقال مفاهیم پایه فرهنگی، آموزش نقش های شغلی و تخصصی، نوسازی افراد، انتقال مهارت ها و رفتارها انجام می دهد. بنابراین تأمل و دقت مستمر درباره رابطه میان این دو نهاد، توسط سیاست گذاران و تصمیم گیرندگان، حائز اهمیت فراوان است و ضرورت دارد حمایت های همه جانبه در این خصوص محقق شود.

منابع

- امسیت، فیلیپ، جی (۱۳۷۰). فلسفه آموزش و پرورش. ترجمه سعید بهشتی. انتشارات آستان قدس رضوی.
- اکرمی (۱۳۸۳). سیدکاظم، تعلیم و تربیت اسلامی از منظر امام خمینی (رحمه الله). شماره ۵۰، سال سیزدهم.
- امیری، صالح (۱۳۸۹). مجموعه مقالات همایش ملی راهبردهای تحکیم نهاد خانواده، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ اول.
- برزینکا، (۱۳۷۱). نقش تعلیم و تربیت در جهان امروز. ترجمه مهر آفاق بایوردی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- شاپوریان، رضا (۱۳۵۸). نقش پدر و مادر در سازندگی کودک، مجله پیوند، شماره ۳.

- شریعتمداری، علی (۱۳۶۹). روان شناسی تربیتی، تهران: امیرکبیر

- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۶۸). روان شناسی رشد. تهران: اطلاعات.

- غنی آبادی، خدیجه سادات (۱۳۷۸). پدر و مادر عزیز آیا به نقش حیاتی خود در شکل گیری شخصیت

فرزندان اندیشیده اید؟ مجله پیوند، شماره ۲۴۱.

- کریمی، یوسف (۱۳۷۲). روان شناسی اجتماعی. تهران: ویرایش.

- مکوندی، بهنام؛ سلیمانی، علی و لیامی، فاطمه (۱۳۷۷). نقش پدر و مادر در آسیب شناسی روانی کودک

و نوجوان. مجله اندیشه و رفتار، شماره ۱، سال چهارم.